

نسبت هنر با توسعه اجتماعی؛ مطالعه موردی تئاتر و سینمای پس از انقلاب ایران

The Relation of Art to Social Development; A Case Study of Post-Revolutionary Iranian Theater and Cinema

فرهاد ریاضی

کارشناس ارشد مکانیک دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی

مدیر کنترل کیفیت شرکت تیزرو یدک پارت

Farhad_riazi87@yahoo.com

چکیده

بحث نسبت هنر/جامعه و تأثیرات و خدمات متقابل طرفین مورد بحث و جدل همیشگی فعالان عرصه هنر بوده است. عده‌ای تقلیل جایگاه هنر به یک ابزار جهت بیان اندیشه‌ها، ایدئولوژی‌ها و مسلک‌ها را نكوهش و از مفهوم هنر برای هنر استفاده می‌کنند و در مقابل افرادی، هنر را جز در نسبت با تأثیرات و شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... روز نمی‌پذیرند. این پژوهش در تلاش است که با اشاره‌ای به تاریخچه این بحث ازلی-ابدی، به پیشینه این بحث در فرهنگ و هنر معاصر ایران بپردازد و از دل آن پیشنهادهای را جهت رویکردی نو به این موضوع در فضای عمومی جامعه مطرح سازد.

کلمات کلیدی: هنر-آسیب‌شناسی- توسعه اجتماعی

مقدمه

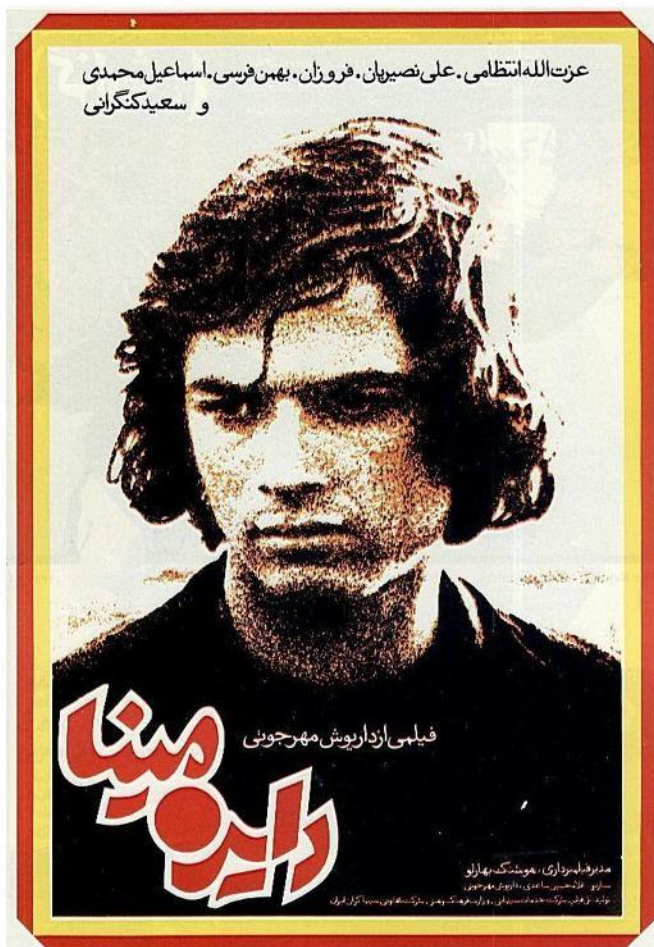
از آن زمان، بحث همیشگی نسبت هنر/جامعه و تأثیرات و خدمات متقابل طرفین مورد بحث و جدل همیشگی فعالان عرصه هنر بوده است. عده‌ای تقلیل جایگاه هنر به یک ابزار جهت بیان اندیشه‌ها، ایدئولوژی‌ها و مسلک‌ها را نكوهش می‌کند و از مفهوم هنر برای هنر استفاده می‌کنند و در مقابل افرادی، هنر را جز در نسبت با تأثیرات و شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... روز، نمی‌پذیرند؛ برای مثال در فیلم‌سازان مهم سینمای جهان، سینمای کن لوچ^۱ همواره متأثر از اندیشه‌های سوسیالیستی او، در نقد جامعه سرمایه داری و بی‌عدالتی‌ها و نظام بوروکراتیک بیمار جامعه معاصر انگلستان بوده است؛ اما موضوع مهم که او را از فیلم‌سازان مشابه دیگر جدا می‌کند، تلفیق این اندیشه‌ها با درک زیبایی‌شناختی^۲ و در نهایت یک اثر هنری به جای یک مانیفست سیاسی/اجتماعی است؛ و با بررسی به این نتیجه می‌رسیم که این استمرار لوچ در بیان این جنس از اندیشه‌ها، منجر به تغییراتی در این نظام دیوان‌سالار شده است (تغییراتی که در نظام سلامت، متأثر از فیلم "من، دنیل بلیک"، ۲۰۱۶ حاصل شد). حال با این فرض که چنین جایگاهی برای هنر قائل شده و به‌خصوص در شرایط بحران‌های اجتماعی، انتظاراتی از این پدیده را برای مخاطبین قائل باشیم، وضعیت در هنر ایران چگونه بوده است؟

ارسطو، پدر درام، در نخستین کتاب تئوری تئاتر جهان، هنر تئاتر را نهادی اخلاقی دانست و بدین گونه بار تعهد خاصی را بر دوش تئاتر نهاد (۱). پس از او نیز، این مسیر پیش گرفته شد و هنر، نقش مهمی را در مسائل اجتماعی ایفا کرد. در قرن هجده و نوزده میلادی، بحث «هنر برای هنر» برای اولین بار در بین پژوهشگران مطرح شد. بحثی که هنوز هم در هر محفلی، مخالفان و موافقان را به جدل و مباحثه وا می‌دارد. در همین حین و در نیمه قرن بیستم بود که برتولت برشت، نمایشنامه‌نویس چپ‌گرای آلمانی، ایده «فاصله‌گذاری» (تئاتر روایی، حماسی، آموزشی) را مطرح کرد. ایده‌ای مناقشه برانگیز که در مقابل ایده‌های برآمده از سنت نمایش روسیه و پیشگامان آن استانیسلاوسکی (و شاگردانش لی استراسبرگ و استلا آدلر) مطرح شد و بیان می‌دارد که خالق اثر با فاصله گذاشتن بین مخاطب و صحنه نمایش و شکسته شدن دیوار چهارم فرضی می‌تواند اندیشه وی را بر انگیزد و چنان می‌کند که او در آرامشی احساسی و بر پایه معیارهای عقلی، نتیجه‌های متناسب با ادراک خود از نمایش بگیرد (۲). در حقیقت برشت بر این باور بود که ایده تئاتر ارسطویی، به دلیل درگیری عاطفی با صحنه/اثر، مخاطب خود را با زیست جاری در صحنه یکی می‌پندارد حال آنکه در تئاتر روایی، با لحاظ شدن این فاصله، تئاتر/هنر می‌تواند به جای تأثیر عاطفی مقطعی، به یک کنش عملی در حوزه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی منجر شود.

¹Ken Loach²Aesthetic

اسماعیل خلیج در گروه تئاتر کوچک، علی نصیریان در گروه تئاتر مردم، بهرام بیضایی در گروه تئاتر لیسار، آربی آوانسیان، عباس نعلبندیان، سعید سلطان پور و... از دل همین تجربه‌های تئاتری به وجود آمدند که منجر به تأثیر بر جریان‌های فکری پررنگ آن زمان شدند. در سینما نیز، گوزن‌ها (۱۳۵۴) را می‌توان تجربه مهم مسعود کیمیایی در نزدیکی به سبک فکری جریان چریک‌های مبارز علیه نظام شاه دانست. این میزان تأثیرگذاری تا جایی پیش رفت که بسیاری این فیلم را یکی از عناصر مهم در به ثمر رسیدن انقلاب سال ۱۳۵۷ قلمداد می‌کنند.

داریوش مهرجویی در دایرة مینا (۱۳۵۴)، در دومین تجربه همکاری با دکتر غلامحسین ساعدی، درام‌نویس برجسته (بعد از تجربه فیلم گاو در سال ۱۳۴۸)، بر مبنای داستان اشغال‌دونی (از مجموعه داستان گور و گهواره) قصه پسر و پدر بیمارش را روایت کرد که در هنگام مراجعه به بیمارستان، به دلیل نداشتن پول، از پذیرفته شدن محروم می‌مانند و در همان حین، با فردی آشنا می‌شوند که می‌گوید در ازای گرفتن یک واحد خون از آن‌ها، مبلغی به آن‌ها می‌دهد. خالق اثر در ادامه، این مساله را به حد یک بحران اجتماعی توسعه می‌دهد و به نقد مساله فساد در بحث انتقال خون اشاره می‌کند. فیلم به همین خاطر، سه سال در محاق توقیف به سر برد و سرانجام در نزدیکی‌های سال ۱۳۵۷ به اکران درآمد؛ اما دستاورد بزرگ این فیلم، جمع شدن بیشتر تمرکز اذهان عمومی جامعه به این موضوع و در نهایت تشکیل سازمان ملی انتقال خون بود.



تصویر ۱- فیلم دایره مینا با موضوع خون‌های آلوده کشور، ۱۳۵۴

زیربنایی - با هدف آسیب‌شناسی - را به کمتر هنرمندی داد (به‌جز هنرمندانی که همیشه به دلیل نزدیکی با نگاه رسمی، از امتیازهای ویژه برخوردار بوده‌اند). این در گذر زمان منجر به دور شدن بطن جامعه از هنر و رفتن جریان اصلی هنر به سمت گونه‌های کمتر بحث برانگیز نظیر کمدی، ملودرام‌های کلیشه‌ای و... شد. در سینمای سال‌های اخیر شاید جز سینمای اصغر فرهادی، نتوان مثالی را برشمرد که باعث شده در هر کوی و برزن، بحث‌و‌جدلی پیرامون یک فیلم شکل بگیرد (طبعاً هنوز هم این شرایط با نمونه‌های قبلی از انقلاب قابل مقایسه نیست). به‌عنوان مثال جدایی نادر از سیمین (۱۳۸۹) توانست بحث سیر روزافزون مهاجرت (با ترسیم کاراکتر سیمین) را به میان بسیاری از محافل اجتماعی و فرهنگی بکشد. سعید روستایی، کارگردان جوان را شاید بتوان یکی از متأخرترین فعالان این حوزه قلمداد کرد که توانست در دو فیلم محبوب و پر بحث خود ابد و یک روز (۱۳۹۴) و متری شیش و نیم (۱۳۹۷) بسیار بیشتر از نهادهای رسمی مانند ستاد مبارزه با مواد مخدر، بحث اعتیاد را به بطن نظرگاه‌های جامعه بکشد. در تئاتر نیز، علی‌اصغر دشتی با طراحی پروژه متاسطاز در دهه نود توانست با هنر تئاتر، نگاه جامعه را به سمت موضوع مشکلات و مصائب بیماران سرطانی و همراهان آن‌ها جلب کند.

پیشنهادهایی برای توسعه بحث

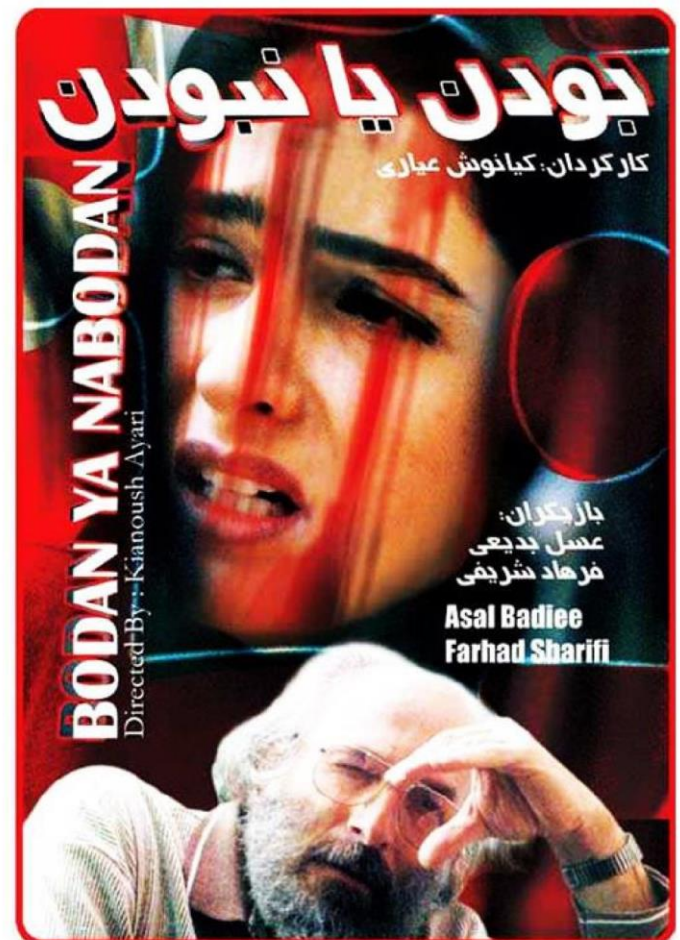
با گسترش فضای جامعه از جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، ضرورت پرداختن به آسیب‌های اجتماعی نهفته در هر کدام از این شاخه‌ها بیش از پیش حس می‌شود. در جایی که بنا به آمار رسمی درمان یک معضل اجتماعی، چندین میلیون تومان هزینه برای دولت در پی خواهد داشت، می‌شود با باز کردن فضای هنر و اتفاقاً در یک فرایند داوطلبانه و قرار دادن آمارهای محرمانه به کنشگران اجتماعی (مثلاً آمار بیماران مبتلا به ایدز، تعداد طلاق‌ها، میزان افسردگی و...) اتفاقاً بخش‌های خاموش مخاطبان هنر را بیدار کرد و بازارهای تازه‌ای برای این اقتصاد نحیف و رو به احتضار ایجاد کرد. در اینجا پیشنهاد می‌شود که اتفاقاً برای هر سناریو، یک روانشناس/جامعه‌شناس معرفی گردد تا بتوان به درک درست‌تری از موضوع رسید و اولین نمایش‌های آن آثار را هم به فضاهای آکادمیک آورد تا بتوان در دل جلساتی بنیادی، به باز خوردی از نظرات پیرامون این موضوعات حساس رسید.

منابع

- ۱) براکت، "تاریخ تئاتر جهان"، ترجمه هوشنگ آزادی‌ور، نشر مروارید، ۱۳۹۲.
- ۲) میتر، شومیت، شفتسوا، ماریا، "پنجاه کارگردان کلیدی تئاتر"، ترجمه محمد سپاهی و معصومه زمانی، نشر بیدگل، ۱۳۹۸.

کیانوش عیاری، دیگر فیلم‌ساز برجسته سینمای ایران نیز در بودن یا نبودن (۱۳۷۷)، به سراغ بحث پیوند اعضا (در آنجا بین یک مسلمان و یک فرد مسیحی) رفت. روایت او نیز در همان زمان بحث‌های زیادی را برانگیخت. این موضوع که تا آن زمان به دلیل مصداق‌ها و ابهام‌های فقهی، در بطن و نگاه رسمی جامعه مورد گفتگو قرار نگرفته بود، سرانجام به میان عناوین اصلی موضوعات مبتلا به مسئولان/مردم آمد و منجر به رسمی و قانونی شدن بحث پیوند اعضا در جامعه شد. دستاوردهای این دو فیلم از آن جهت حائز اهمیت بیشتری می‌شوند که با مراجعه به آمار، تعداد افرادی را که بر اثر فقدان قوانین رسمی مربوطه دو موضوع انتقال خون سالم و پیوند اعضای بدن جان خود را از دست داده‌اند، با شرایط فعلی مقایسه کرد.

اما با گذشت زمان و با تأکید موردی بر دو دهه اخیر، رفته‌رفته این تأثیر متقابل و به تعبیری خوراک‌دادن جامعه به هنر کمتر و کمتر شد. فشار و نگاه دستگاه نظارتی تقریباً اجازه ورود به مباحث اساسی و



تصویر ۲- فیلم بودن یا نبودن با موضوع پیوند اعضا، ۱۳۷۷